



| ترکش دوست داشتنی |

زندگی و خاطرات احمد ابوالقاسمی
به قلم محمد خسروی راد

www.kotab.ir

انتشارات عیدگاه - ۱۳۹۹



سرشناسه: خسروی‌راد، محمد، ۱۳۴۹

عنوان و نام پدیدآور: ترکش دوست‌داشتنی: زندگی و خاطرات احمد

ابوالقاسمی / به قلم محمد خسروی‌راد

مشخصات نشر: مشهد: عیدگاه، ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۳۶۵ ص.، ۲۱×۱۴ س م

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۰-۰۰۸

وضعیت فهرست نویسی: فهرست شده

عنوان دیگر: زندگی و خاطرات احمد ابوالقاسمی

موضوع: ابوالقاسمی، احمد، ۱۳۴۷

موضوع: قاریان -- ایران -- سرگذشتنامه

موضوع:

Reciters and reciters of the Qur'an -- Iran -- Biography*

رده بندی کنگره: BP ۸۱/۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۹۲۴

شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۱۵-۸۵

عیدگاه

ترک‌بین دوست داشتنی

زندگی و خستگی محمد ابوالقاسمی

نویسنده: محمد خسروی راد

* انتشارات: عیدگاه * نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۹

* شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه * قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان *

* دستیار تألیف: هما خانی زارع * نمونه خوانی: نکتم پورصفر *

* طراح جلد: حامد امامی * صفحه آرا: علی خسروی راد *

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۳۰-۱۴-۸

تلفن مرکز فروش برای سراسر کشور: ۰۹۱۲۱۴۰۰۰۶۱

پست الکترونیک احمد ابوالقاسمی: ahmad312au@gmail.com

پست الکترونیک محمد خسروی راد: mkhosravirad2@gmail.com

پست الکترونیک ناشر: edgah@yahoo.com





حکایت یک ترکش است. ترکشی کوچک اما اثرگذار در مسیر زندگی یک آدم. ترکشی که در کارزار پایداری و دفاع، حضورش را به احمد ابوالقاسمی تحمیل می‌کند و دقیقاً نقطه‌ای را نشان می‌دهد که در عالم دودوتا چهارتا می‌تواند مانع جدی حضور ابوالقاسمی در جایی باشد که همه عشق و علاقه و شاید همه زندگی‌اش است.

این‌که ترکش توی ریه یک قاری قرآن بنشیند اما دوست داشتنی باشد، از آن حکایت‌های شاذ و نادر و پیچیده و خواندنی است. ترکشی که علی‌الظاهر باید مانع پیشرفت و ترقی میزبان‌ش باشد، اما نردبان ترقی او می‌شود!

از ایران بگیر تا مالزی و هنگامه اول شدن ابوالقاسمی در جهان و از سفر مکه و مدینه بگیر تا دورترین کشورهای اروپایی و آفریقایی و آسیایی، این ترکش در کنار سخت‌کوشی و خلاقیت و پشتکار ابوالقاسمی، او را همراهی می‌کند.



ابوالقاسمی را سالهاست از نزدیک و دور می‌شناسم. او از نظر من با اغلب اهالی محترم حوزه تلاوت قرآن تفاوتی خاص و معنادار دارد. تفاوتی که تنها در سلوک و بی‌ریایی و بی‌تکلفی و پرهیز از اطوارهای مرسوم خلاصه نمی‌شود. من در این کتاب سعی کرده‌ام از طریق نگارش خاطرات زندگی‌اش، بخشی از این تفاوت را به تصویر بکشم. ابوالقاسمی یک شهروند مسئول است، یک آدم خلاق است، یک پدر خوب است، یک راننده خاص است، یک مدیر صاحب تدبیر است، یک رفیق است، یک انسان زمینی است و خودش این را می‌داند که بی‌نقص نیست و یک...، موضوعاتی است که در لابه‌لای سطور این کتاب به صورت بیان خاطرات تلخ و شیرین واقعی و خواندنی به تصویر کشیده شده؛ طوری که خواننده را از مطالعه خسته نکند.

پس از سال‌ها دوری، وقتی با ابوالقاسمی قرار مصاحبه گذاشتم، روی شیشه عقب ماشینش این نوشته را دیدم: «شهید کشتی می‌میری!» این که صاحب این جمله ابوالقاسمی نیست، به کنار. اما این که در این وانفسای روزگار کج رفتار این روزها و گرفتاری‌های ریزودرشت که ذهن آدمی را سخت مشغول کرده، کسی در ذهن پردغدغه خود، جایی برای دل خودش اختصاص دهد و بی‌توجه به نگاه‌های عجیب-غریب اطرافیان، آن چه را که دوست دارد و باور، به نمایش بگذارد، کاری است که از امثال ابوالقاسمی می‌توان انتظار داشت.

در آستانه سی‌ساله شدن فعالیتیم در حوزه تاریخ شفاهی و ادبیات داستانی، حالا در سی‌امین کتابم، سراغ یک قاری قرآن رفته‌ام. کاری سخت و شاید راه رفتن بر روی لبه تیغ. ساحت پاک و دست‌نیافتنی قرآن مجید و ترکیبش با دنیای زمینی ما آدم‌های خاکی. هم باید قداست و



حرمت قرآن حفظ شود و هم متن نوشته و سبک کار جذاب باشد و فارغ از عصاقورت دادگی.

دو موضوع باعث شد جسارت و جرئت این کار را پیدا کنم. یکی متفاوت بودن ابوالقاسمی و دیگری که مهم تر است؛ شرایط مترتب بر فضای رسانه‌ای پیرامون جامعه قرآنی و خطای احتمالی فرد را تسری دادن به همه آحاد حاضر در این جامعه ارجمند. راستش از این که این موضوع، دستمایه و بهانه ایجاد نگاه‌های ناصواب شده، سخت آشفته شده‌ام و برای تأکید مؤکد و یادآوری همگان، ضرورت دیدم نمونه‌ای از نمونه‌های بسیار زیاد از جامعه قرآنی را به تصویر کشم. تا چه در نظر افتد.

محمد خسروی راد

www.ketab.ir